

فلسفه و مفهوم خانواده در دل سریال‌های دهه هفتاد، بزرگترین رکن تشکیل دهنده یک قصه محسوب می‌شده است؛ آنچنان که قصه‌های روایی موجود در این دهه تماماً یا با کنش‌های از جانب خانواده، محاکات دراماتیک خود را شروع کرده و یا با کنش‌های از سمت خانواده به رویدادهای دراماتیک خود پایانی متقن داده است. چرا که شالوده فردیت‌شناسانه تک‌تک کاراکترها به تناسب خاستگاه خود - یعنی خانواده - در نظر گرفته می‌شده است تا آدمی را صاحب مقام و جایگاهی اجتماعی، اقتصادی و یا حتی نیکبختی کند؛ چه بسا آثار کثیر سینمایی و تلویزیونی که نقطه عطف داستانی خود را در این دهه بر مبنای نفرین فرزندان و عاق والدین گذاشته‌اند تا مهری بر سرنوشت محتوم فرزند ناخلف خود زنند.

از نکات قابل توجه مجموعه‌های تلویزیونی دهه هفتاد اساساً تکرار گرای نظرات بستگان در برابر اتقان دیدگاه ارکان اصلی خانواده است که گویی سگ‌اندار مطلق العنان یک مجموعه به حساب می‌آیند و سخنی و رای سخن آنان، مستلزم توانایی برای متنبه شدن است. معمولاً هم به تناسب نگرش جدیدالورود جوانگرایانه غربی ممزوج در زیست ایرانیان که آن دوران خرقره‌های مدرنیته به تن نکرده بود انتظار میرفت که جوانان روایات آثار دهه هفتاد، با پیران و سالمندان خود تن به مقابله و مجادله‌ای دراماتیک دهند تا بتوانند دست آخر من خود را در برابر من پدران و مادران خود ببینند. بنابراین هرگز نمیتوان پایان‌های ناگواری برای زیست فرزندان به مثابه یک عذاب الیم بی‌بازگشت در نظر گرفت زیرا ریشه این پوشش، فرزندان را از قبل تنبئه به دو دسته تقسیم میکند. آنان که از پس ممارست و شکست‌های فراوان به آغوش پدران خود باز می‌گشتند تا سنت خویش را - ولو به سختی اما با آگاهی - پیش گیرند و یا آنان که در برابر ایزوله‌سازی خانواده طاقت می‌آورند و مروج نگاه نوینی میشوند تا بتوانند به مثابه تغییر یک انگاره غلط، به نوبه خود مهر خود را بر دل والدین، با تهذیب نفسشان از منش‌هایی نوظهور که گویی سرشان به سنگ خورده برسانند.

نمایش والدین سخت‌گیر که عاقبت بخیری فرجامشان است

با این حال اگر مفهوم خانواده را بستری دائمی و استوار در جان تمامی آثار دهه هفتاد متصور شویم، هرگز این بدان معنا نیست که ارکان اصلی خانواده ظالمان و نالایقانی هستند که با نگاه دیکتاتوری زندگی را بر فرزندان خود سخت می‌کنند؛ کما اینکه در سیر تطور منحنی شخصیت‌ها والدین و بزرگسالان فخریم نیز متوجه منش اشتباه خود شده‌اند اما هرگز آن را بران نکرده‌اند. اساساً نگرش پرورش یافته‌ای که در آثار دهه هفتاد بازتابی عمومی پیدا کرده بود آنچنان که گویی فرزندان و اعضای کوچکتر



شهری چون داریوش ارجمند، مهدی فتحی، بهزاد فراهانی، پرویز پرستویی، محمدرضا شریفی‌نیا و سیروس گرجستانی از شبکه یک سیما؛ سریال «آنانس دوستی»، ۱۳۷۷ اثر احمد رمضان زاده با نقش‌آفرینی بازیگرانی چون حسین پناهی، فردوس کاویانی، اصغر همت، اسماعیل داورفر و پژمان بازغی از شبکه یک سیما؛ سریال «پس از باران»، ۱۳۷۹ اثر سعید سلطانی با نقش‌آفرینی بازیگرانی چون محمود پاک‌نیت، کنایون ریاحی، جمیله شیخی و جهانگیر الماسی که از شبکه سه سیما بر جعبه جادو نقش بست اشاره داشت.

نقش اصلی خانواده در آثار نمایشی دهه هفتاد

اگر بخواهیم آثار دهه هفتاد را به صورت تفصیلی به تناسب دهه‌های پسینش و آکای کنیم اول از همه باید به تماتیک جمعی نهفته در مجموعه‌های تلویزیونی دهه هفتاد نگاهی انداخت که سایه و سیطره عمیق خود را قبل از هر چیز بر خانواده انداخته‌اند. اساساً

این دهه هفتاد نوستالژیک در خشان

با در نظر گرفتن کثرت مجموعه‌های موفق و محبوب تلویزیونی در دهه هفتاد، از جهت نمونه میتوان به مجموعه‌های موفق آن دهه نظیر «گل پامچال» محصول ۱۳۷۰ اثر محمدعلی طالبی با نقش‌آفرینی بازیگرانی چون فاطمه معتمد‌آریا، داوود رشیدی و رضا بابک از شبکه یک سیما؛ سریال «روزی روزگاری»، ۱۳۷۱ اثر امیرالله احمدجو با نقش‌آفرینی بازیگرانی چون خسرو شکیبایی، محمد پاک‌نیت و ژاله علو از شبکه اول سیما؛ سریال «همسران» ۱۳۷۲ اثر بیژن بیرنگ با نقش‌آفرینی بازیگرانی چون فردوس کاویانی، مهرانه مهین‌ترابی، فرهاد جم و الهام پاونزاد از شبکه یک سیما؛ سریال «پدرسالار»، ۱۳۷۲ اثر اکبر خواجه‌بوی با نقش‌آفرینی بازیگرانی چون محمدعلی کشاورز، محمود پاک‌نیت، کنایون ریاحی، حمیده خیرآبادی و سیامک اطلسی از شبکه دوم سیما؛ سریال «امام علی (ع)»، ۱۳۷۵ اثر داوود میرباقری با نقش‌آفرینی بازیگران